

دربرا بر طوفان

میرداد اسحاق سردار شهید سید محمد سید حسین زاده

نویسنده:

محمد بکرانی

تقدیم به:

مادر گرانقدر

سردار شهید سید محمد حسین زاده
که عارفانه زیست و عاشقانه هدیه الهی را
به زیباترین و شایسته‌ترین شکل آن
به باری تعالی تقدیم کرد
و باز هم شاکر بود به رضایش....

سرشناسه: بکرانی، محمد، ۱۳۰۲ -

عنوان و نام پدیدآور: در برابر عوفان: مستند داستانی سردار شهید سید محمد حسین زاده / نویسنده محمد بکرانی؛ به سفارش مرکز حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج سپاه حضرت جواد الائمه (ع) و کنگره ۳۰۰۰ شهید استان خراسان شمالی.

مشخصات نشر: بجنورد: در قلم، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۷۲۲۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان دیگر: مستند داستانی سردار شهید سید محمد حسین زاده

موضوع: سید حسین زاده، سید محمد، ۱۳۴۶-۱۳۶۵.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- ۲۰th century

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان

موضوع: Iran - Iraq war, ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸ -- Fiction -- Martyrs

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع: Iran - Iraq War, ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸ -- Biography -- Martyrs

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Diaries -- Survivors -- Iran -- Martyrs

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (استان خراسان شمالی). سپاه حضرت جواد الائمه. مرکز حفظ آثار و

نشر ارزش‌های دفاع مقدس

شناسه افزوده: کنگره سه هزار شهید استان خراسان شمالی

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۳۵

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۸۰۱۳۴



بجنورد- خیابان ۱۷ شهریور جنوبی- کوچه شهید عزیز مصر (سعدی)- نبش بن بست دوم

Qalampub.ir

تلفن تماس: ۰۹۱۵۸۸۵۸۲۹۸-۰۹۳۵۳۴۶۳۹۱۴

Info@QalamPub.ir



به سفارش

مرکز حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس سپاه و بسیج سپاه حضرت جواد الائمه (ع)

و

گروه ۳۰۰۰ شهید استان خراسان شمالی

دربار طوفان

تهیه و تدوین: حمد بکرانی

طراحی و صفحه آرایی: حمید رضا زاده (طراح ایرانیان)

ناشر: انتشارات دُر قلم

شابک: ۹۶۴-۶۲۲-۶۳۷۲-۲۴-۴

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷		مقدمه
۱۱		فصل اول: رویش یک واژه
۲۱		فصل دوم: سایه های غم
۲۵		فصل سوم: جوانه های امید
۳۳		فصل چهارم: تار و پود اول
۵۷		فصل پنجم: مردان کوچک
۶۳		فصل ششم: شب سرنوشت
۶۹		فصل هفتم: یادگاری های بی ریا
۹۷		فصل هشتم: مردان کارزارهای سخت جبهه
۱۵۹		فصل نهم: در برابر طوفان
۱۶۵		فصل دهم: هرگز آرام نخواهی گرفت
۱۷۳		فصل یازدهم: و امروز
۱۷۹		اسناد و تصاویر

مقدمه

شاید خیلی سخت باشد وقتی بخواهی در مورد کسی که بیش از ۱۴۰۰ سال از سی سال از زمان شهادتش می‌گذرد چیزی بنویسی و سخت‌تر زمانی است که او هنگام شهادتش تنها نوزده سال بیست از تولدش نمی‌گذشته، یعنی تمام آن نوزده سال را باید ثبت کرد، نه کم‌تر و نه بیش‌تر. نوزده سالی که شاید هفت سالش را هم کسی به خاطر نداشته باشد. از مادر و رادر و خواهرش. پدرش را در چهار سالگی از دست داده و شاید تنها اتفاق به هم زندگی‌اش قبل از هفت سالگی.

دوازده سال الباقی عمرش را هم در کوران انقلاب و حضور سیاست‌رکنان و پانزده سال آخره آغاز جنگ تحمیلی، پر آشوب کرده‌اند. پس باید خاطراتی از لایه لایه صفات تاریخی یافت و حضور او را در آن جستجو کرد. زمانی که دیگر تصمیم گرفت به مادرش نرود و از سال دوم راهنمایی ترک تحصیل کرد را شاید اصلاً کسی به خاطر نیاورد. البته آن سالها رسم بود و هرکس به جایی می‌رسید که کمی از تحلیل و بررسی اوضاع مملکت سرش می‌شد احساس می‌کرد دیگر ادامه تحصیل دادن کار عبثی است و کمی بعد برای ادای دین سراز جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در می‌آورد و دقیقاً در سالی که

باید دیپلم می‌گرفت و به خدمت سربازی اعزام می‌شد با ۱۵ ماه و ۲۴ روز خدمت در بسیج و ۲۷ ماه و ۴ روز لیاقت خدمت در سپاه و ۳۳ ماه و ۲۸ روز حضور مستمر در جبهه پیش از آغاز عملیات کربلای ۱ در منطقه مهران در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۰ به درجه رفیع شهادت نائل شد.

این کتاب شاید نتواند چهره واقعی این شهید بزرگوار را برای آیندگان ترسیم کند و باور دارم شاید هیچ کتابی نتواند. ولی شاید در پیدا کردن راه، نوع نگاه و روش آنها، زندگی شان بتوان نقب‌هایی زد و تاملی کرد تا چراغ راهی هر چند کوچک برای ما و الگویی برای آینده داران مملکتمان روشن نماید. با این اوصاف شاید گفتن از شهید آثمی سخت باشد پس در میانه راه تصمیم گرفتیم مسیرم را عوض کنم و آن زمانی بود که با مادر این شهید بزرگوار آشنا شدم و دریافتم اگر قرار است کاری درباره شهید آثمی انجام شود و کتابی نوشته شود، بهتر است آن کتاب بخشی از خاطرات مادر این شهید آثمی باشد.

پس با توکل بر خدای بزرگ آغاز کردم راهی را که در آن قرار بود فراز و نشیب یک زندگی پنجاه ساله و پراز مشقت را بنویسم. شاید از درد گفتن فایده‌ای نداشته باشد ولی وقتی درمانش را هم بنویسم آن وقت می‌شود راه و نوشتم از مشکلات واقعی مادر سردار شهید سید محمد حسینی که در مقابل تمامی مشکلات مردانه ایستاد و نام کتاب را از «بوسه بر لب‌های مادرم» به «در برابر طوفان» تغییر دادم.

به واقع شایسته است که این کتاب تقدیم شود به تمام مادران مردان مرد جبهه‌های جنگ و دفاع مقدس که چه خون دل‌ها خوردند و ایستادگی کردند و شاید جنگ واقعی مربوط به آنها بود که جگر گوشه‌هایشان را به مقابل سرب

داغ و آتش سخت فرستادند و اگر دل‌بندشان به آغوش خانواده برگشت سجده شکر کردند و اگر بازنگشت زینب وار ایستادند و عهدشان را با خدایشان محکم تر کردند و بهشت واقعی را ارزانی خود کردند و شفاعت شهید را بدرقه راه خود نمودند. در اینجا لازم است از تلاش‌های پیگیرانه جناب سرهنگ محمود و یحیی در مرکز حفظ و نشر ارزشیابی آثار دفاع مقدس بسیج و سپاه جوادالاسمه علیه السلام تقدیر و تشکر نمایم که این بنده حقیر را برای چنین کار بزرگی انتخاب نمودند. باشد که باقیات و صالحاتی باشد برای این دنیا و آن دنیایمان که شفاعت شهید ابد رقه دنیا و آخرتمان باشد.

ان شاء الله ...

محمد بکرانی